

پیش‌خواب

نظرو گذری بر زندگینامه داستانی شهیده محبوبه دانش آشتیانی

روایتی از حیات و عروج «محبوبه‌صبح»

■ شاهد توحیدی



اثری که هم اینک در معرفی آن سخن می‌رود، به بازخوانی داستانی زندگی شهیده محبوبه دانش آشتیانی پرداخته است.

از سوی راضیه تجار تألیف شده و انتشارات سوره مهر، به انتشار آن همت گماشته است. تارنامی ناشر درباره موضوع این کتاب، توضیحات ذیل را ارائه کرده است: «کتاب محبوبه صبح، داستان زندگی شهیده محبوبه دانش است. دختری انقلابی که در اوج جوانی، زمانی که ۱۷سال بیشتر نداشت، در واقعه ۱۷شهریور به شهادت رسید. راضیه تجار برای نوشتن این داستان، هم از واقعیت و هم از تخیلش کمک گرفته است، تا در نهایت اثری را به خوانندگانش هدیه کند که به زندگی حقیقی این بانوی شهیده وفادار باشد. او همچنین عناصر داستانی را به اثرش اضافه کرده است، تا جذابیت بیشتری به آن ببخشد...».

تجار در بخشی از این داستان، فضای یکی از سحرهای ماه مبارک رمضان در منزل شهیده دانش آشتیانی را، اینگونه ترسیم کرده است:«زهرها خانم، آرام و باورچین، در پناه نور کمرنگ چراغ سقفی، به آشپزخانه می‌رفت و می‌آمد و در هر رفت و آمد، با خود کلاه و بشقاب، پارچ آب‌خوری، لیوان، قاشق و نمکدان می‌آورد. اولین شب ماه مبارک رمضان بود. قرار بود پچه‌ها را برای خوردن سحری بیدار کند، اما از همین دقایق آخر هم استفاده می‌کرد، تا کمی بیشتر بخواند. حاج دانش به حیاط رفته بود، تاوضو بگیرد. صدای صلوات‌های پیایی‌اش می‌آمد. زهرها خانم، همان‌طور که گفتگیر راز بریز برنج خوش عطر می‌زد، سینه‌اش را از هوا پر



➤ شهیده محبوبه دانش آشتیانی

کرد. نه، این فقط عطر زعفران نبود، عطر محبوبه شنب بود. صدای محبوبه را شنید: مامان سحر شد؟ – البته عزیز دل!م بلند شو صورت را آب بزن و بیا سر سفره. حاج دانش به اتاق بچه‌ها رفت. آنها را با نوازش بلند کرد و سر سفره سحری آورد. گاه زهرها خانم، لقمه‌ای به دهان آنها می‌گذاشت و گاه حاج دانش تیغ ماهی را که روی پولیشان برق می‌زد، درمی‌آورد و تکه‌های ماهی را ریز می‌کرد و روی پلو می‌پاشید. بخوردی عزیزانم، بسم‌الله! بعد هم بروید نمازتان را بخوانید –بدش هم یک کوچولو بخوابیم؟– حتماً، یک چرت کوچولو بزنید، به شرط آن که وقتی صدا بتان کردم، زود بلند شوید تا ببرم‌تان مدرسه. رو به محبوبه کرد: راستی خاتم‌خاتم‌ها، یک مدرسه خوب برایت پیدا کرده‌ام. محبوبه لب برچید. من مدرسه‌ام را عوض نمی‌کنم. چرا؟ –اگر از آنجا بروم، دلم برای دوستانم تنگ می‌شود. در عوض معلم‌های خوبی پیدا می‌کنی، وقتی معلم‌هایت خوب درس بدهند، بهتر می‌فهمی و نمره معدلت بیشتر می‌شود. آن وقت می‌توانی بدهای به یک مدرسه راهنمایی خیلی خوب بروی – یعنی کجا؟ یک مدرسه اسلامی. رو کرد به همسرش: خانم، شما هم موافقی؟ – بله که موافقم، حالا آنجا کجاست؟ مدرسه رفاه –فاه...؟ چرا اسمش رفاه است؟ شما که می‌گویید اسلامی است؟ –برای رد گیم کردن این اسم را گذاشته‌اند، در حقیقت، خروجی آن اسلامی است. پایه‌گذاران آن هم، آقایان مفتاح، بهشتی، رجایی، باهنر و چند تا از بازاری‌ها هستند. محبوبه اخم کرد و شانه بالا نداشت: ولی من نمی‌روم، آنجا نمی‌روم! پدر دستی از مهر مهر روی موهایش کشید و به بچه‌های دیگرش اشاره کرد: دیده‌ای هیچ‌وقت اینها حرف بیا را زیر پا بیندازند؟ محبوبه دیگر چیزی نگفت. چلوماهی و ترشی و سبزی خوردن خورده و سفره برچیده شد. با دسنستی که پدر یک بار دیگر سر محبوبه کشید، او قبول کرد صبح فردا با پدر به مدرسه‌اش برود، پرونده‌اش را بگیرد و در مدرسه رفاه ثبت‌نام کنند...».

■ **احمد رضا صدری**

روزهایی که بر ما می‌گذرد، تداعی‌گر سالاروز صدور حکم تاریخی امام‌خمینی، درباره سسلمان رشدی، نویسنده کتاب آیات شیطانی است. این رویکرد از آن روی در خور توجه است که حساسیت نظام اسلامی و مرجعیت دینی را، در قبال توهین به مقدسات خویش نشان می‌دهد و می‌تواند تذکاری به موارد مشابه در آینده باشد. مقال پی‌آمده کوشیده است، تا با استناد به پاره‌ای از روایات و تحلیل‌ها، ابعاد این مقوله را بازنمایاند. امید آن‌که علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید. ■■■

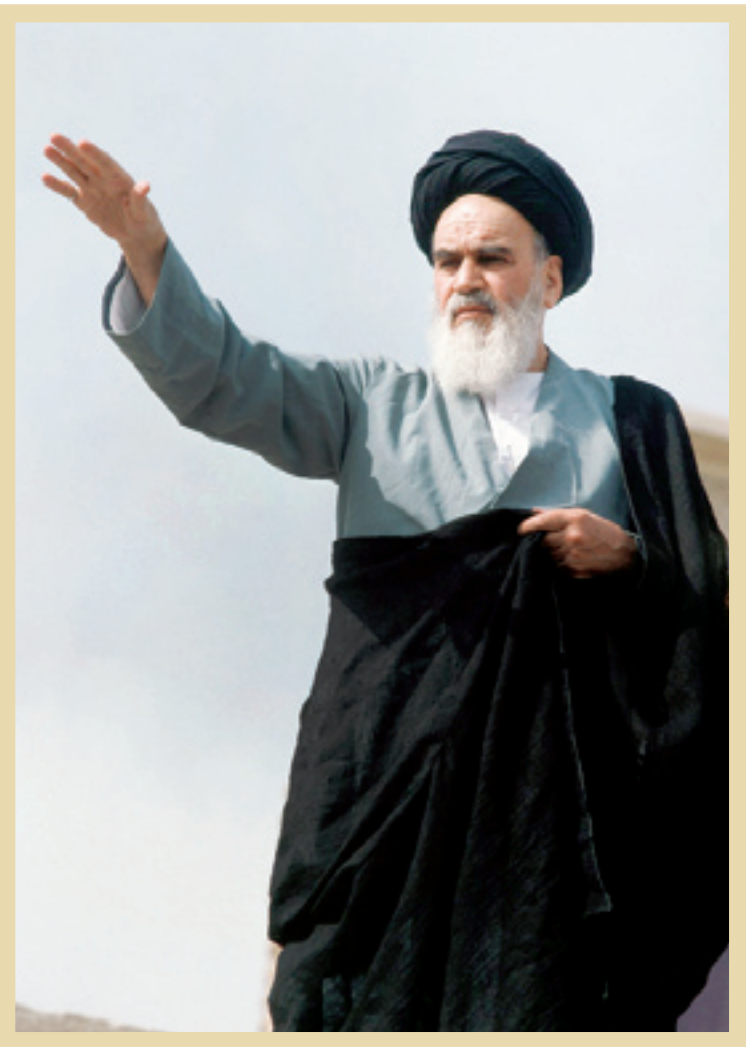
■ **متن و تکمله «حکم تاریخ‌ساز»**

نخستین گام ما در این مقال، بازخوانی متن حکم قاطع و تاریخ‌ساز امام‌خمینی، درباره نویسنده آیات شیطانی است. امری که کانون‌های قدرت در جهان، از پیش‌بینی آن ناتوان بودند و پس از انتشارش، جز رفتارهای منفعلانه چاره‌ای نیافتند:

■ **إنّ الله و إنّا إلیه راجعون**

به اطلاع مسلمانان غیور سراسر جهان می‌رسانم، مؤلف کتاب آیات شیطانی که علیه اسلام و پیامبر و قرآن، تنظیم و چاپ و منتشر شده است، همچنین ناشرین مطلع از محتوای آن، محکوم به اعدام می‌باشند. از مسلمانان غیور می‌خواهم تا در هر نقطه که آنان را یافتند، سریعاً آنها را اعدام نمایند، تا دیگر کسی جرئت نکند به مقدسات مسلمین توهین نماید و هر کس در این راه کشته شود، شهید است ان‌شاءالله. ضمناً اگر کسی دسترسی به مؤلف کتاب دارد، ولی خود قدرت اعدام او را ندارد، او را به مردم معرفی نماید تا به جزای اعمالش برسد. والسلام علیکم ورحمّالله و برکاته. روح‌الله الموسوی ال‌خمنی».

چند روز پس از صدور حکم فوق آمده، دفتر امام



حکم تاریخی امام خمینی درباره سلمان رشدی نشان عزتی که در تاریخ ماندگار شد

«حماسه حکم»

روایت صف‌آرایی و عقب‌نشینی غرب

خمینی در پاسخ به برخی ذهنیت پراکنی‌های رسانه‌های بیگانه، اینگونه بر قطعی و غیر قابل تغییر بودن دستور رهبر انقلاب مهر تأیید زد:

«بسمه تعالی
رسانه های گروهی استعماری خارجی، به دروغ به مسئولان نظام جمهوری اسلامی نسبت می‌دهند که اگر نویسنده کتاب آیات شیطانی توبه کند، حکم اعدام درباره او لغو می‌شود. امام خمینی -مذهله- فرمودند: این موضوع صددرصد تکذیب می‌شود. سلمان رشدی اگر توبه کند و زاهد زمان هم شود، به هر مسلمان واجب است با جان و مال تمامی هم خود را به کار گیرد، تا او را به درک واصل گرداند.

حضرت امام اضافه کر دند: اگر غیر مسلمان از مکان او مطلع شود و قدرت این را داشته باشد تا سریع‌تر از مسلمانان او را اعدام کند، بر مسلمانان واجب است آنچه را که در قبال این عمل می‌خواهد، به عنوان جایزه یا مزد عمل به او بپردازند.»

■ **با یک فرد دو مواجه نیستیم، با یک جریان مواجیم!**

با صدور حکم تاریخی رهبر کبیر انقلاب اسلامی، جامعه ایران در پیی اطلاعاتی بیشتر درباره ماهیت این رویداد بود، مردم هم سلمان رشدی را به درستی نمی‌شناختند، هم کنایش را و هم ماهیت انتشار این توهین‌نامه در آن مقطع را.هم از این‌ رو آیات‌الله اکبر‌هاشمی رفسنجانی، رئیس وقت مجلس شورای اسلامی، در نطق پیش از دستور مورخه ۲۶پهمن ۱۳۶۷ بدان پرداخت. بخش‌هایی از این سخنان، به قرار پی آمده است:

«ممکن است بعضی از رنود و شیاطین موجود در میان جامعه، ذهن مردم را از این جهت آلوده کنند و اعمالش برسد. والسلام علیکم ورحمّالله و برکاته. روح‌الله الموسوی ال‌خمنی».

چند روز پس از صدور حکم فوق آمده، دفتر امام

مقدار مسئله باز شود که ملت ما اگر در مقابل چنین وسوسه‌هایی قرار گرفتند، بداندند مسئله این نیست، این ظاهر قضیه است. آنچه از مجموع حوادث برمی‌آید که به همین دلیل من فکر می‌کنم رهبر بزرگوار ما، امام‌امت بااین شور و هیجان به مقابله با مسئله پرداختند، مقام معظم قائم مقام رهبری انقلاب را، آیات عظام کتایب آیات شیطانی توبه کند، حکم اعدام کرده و در سراسر دنیا چنین حالتی می‌بینیم، این به خاطر آن مسائل پشت پرده‌ای است، که در این قضیه به چشم می‌خورد. آنچه آدم می‌تواند از مجموعه حوادث بفهمد، این احسنت است که بر نامه‌ریزی شده، سازماندهی شده، برای یک حرکت بسیار خطرناکی که بدتر از یک نوع جنگ رسمی است. اینها به دنبال ضربه‌ای که بعد از انقلاب اسلامی در ایران خوردند و قدرتی که از اسلام در لبنان و افغانستان دیدند که تحرک و بیداری سراسری که در مسلمان‌ها دیدند، در تحلیل‌شان به اینجا رسیدند که مایه اصلی آن تقدس و هاله قداستی است که بر عقائد و مقدسات اسلام کشیده شده که ذهن مردم اسلامی را همیشه صاف و پاک نگاه می‌دارد و به دنیای اسلام نشاط و حرکت می‌دهد. با جنگ و انواع حیل‌های سیاسی نتوانستند این تقدس را بشکنند، با این شیوه وارد عمل شدند. با یک شخصی که مثلاً از جایی مثل هندوستان باشد که ظاهر از دنیای غرب فاصله دارد و با اسم غلط‌انداز کار را شروع می‌کنند. آدم می‌بیند که قبلاً پول داده می‌شود به این شخص، به عنوان حق التألیف؛ آدم می‌بیند قبلاً برای این شخص محافظ می‌گذارند، به عنوان اینکه می‌دانند چه کار دارند می‌کنند. می‌بینیم یک بیگانه انتشاراتی صهیونیست، دنبال کار است. می‌بینیم از پیش، تر چمه‌ها در کشورهایی مثل امریکا و ایتالیا آمده می‌شود. می‌بینیم تبلیغات به گونه‌ای است که ذهن مردم را قبلاً برای خرید کتاب آماده می‌کنند. همه اینها حکایت از یک سازماندهی

در یک برنامه‌ریزی می‌کند و حرکت، یک حرکت معمولی نیست که آقایان بگویند خب، حالا کتاب که زیاد نوشته شده، فحاشی به اسلام زیاد شده، به خداوند، به همه بد گفته‌اند و در تاریخ اینجوری بوده. بله بوده، اما من فکر می‌کنم یک چنین حرکتی با این شیوه‌هایی که الان دارد مرمرزانه انجام می‌شود، نبوده و این یک مقابله‌ای است برای شکستن قداست اسلام و مقدسات اسلام و لذا اهمیت قضیه ایجاب می‌کند رهبری عظیم ما - که معمولاً در مسائل سطحی وارد نمی‌شوند - در این مسئله با آن شدت و حدت وارد می‌شوند و اینگونه ایشان برانگیخته می‌شوند که تشخیص ایشان همیشه برای ما محت بوده و همیشه هم دیده‌ایم، ایشان به موقع مسائل حساس دنیای اسلام را درک می‌کنند و به موقع محاسبه می‌کنند...».

■ **حمایت بدنه جهان اسلام، از حکم قاطع امام**

«حماسه حکم»، بلافاصله با واکنش حمایت آمیز جهان اسلام مواجه شد. گویی مسلمانان در اقصی نقاط دنیا، جلوه‌ای دیگر از عزت را درک کرده بودند و به آن می‌بالیدند. هم از این روی در بسا کشورهای اسلامی و به اشکال گوناگون، از این حکم تاریخ‌ساز حمایت شد. نویسنده اثر «تاریخ شفاهی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» از انتشارت مرکز اسناد انقلاب اسلامی، در این فقره آورده است:

«فتوای امام خمینی درباره ارتداد سلمان رشدی، یکی از مهم‌ترین رخدادها در اواخر دهه ۶۰بود که اثرات بین‌المللی گسترده‌ای داشت. این مسئله به یکی از محورهای مهم دستگاه سیاست خارجه، به ویژه در ارتباط با کشورهای اروپایی تبدیل شد. از این رو روایت دیپلمات‌ها از گذاری فتوای تاریخی امام، قابل توجه و تأمل است. محمدرضا باقری از دیپلمات‌های قدیمی وزارت خارجه، در همین زمینه می‌گوید: این فتوا بازتاب زیادی نه تنها در ترکیه، بلکه در بسیاری از کشورهای سنی‌مذهب دیگر داشت. در بنگلادش یک جریان بزرگ اهل تسنن، در حمایت از امام راهپیمایی بزرگی راه انداختند. بنابراین فقط بازتاب این فتوا در ترکیه نبود، بلکه در همه جای دنیا بازتاب داشت. حتی در ترکیه، نویسنده‌ای مقاله‌ای با عنوان: امام کلامش در حد قانون است، نوشت. در واقع یکی از نقاط قوت سیاست خارجی ما، فتوای امام راجع به سلمان رشدی بود. آنهایی که می‌گفتند فتوای امام موجب ایجاد مشکل برای ما می‌شود، مشکل در خودشان بود. زیرا این داستان بیشتر باعث شد، تا جامع مختلف به ما توجه کنند و آنهایی که فکر می‌کنند، باید در مقابل غرب لیخنند زد تا ما مشکل نداشته باشیم، اشتباه می‌کنند. ایران از اینکه پای حکم فقهی‌اش بایستد، ابایی ندارد و این نقطه قوتی برای ما بود. حمیدرضا آصفی، سخنگوی وزارت خارجه در دوره اصلاحات نیز با یادآوری خاطرات آن دوران نقل می‌کند: موضوع سلمان رشدی و فتوای امام را داشتیم که منجر به فراخوانی سفرا شد. یکی از دوران درخشان جمهوری اسلامی، آن دوره است. مجله تأیم طی مقاله‌ای در آن دوران نوشت: موضوع سلمان رشدی، تقابل اسلام ناب با غرب است... و جمهوری اسلامی در این تقابل پیروز شد، زیرا لغوفتوا که خواسته غرب بود، محقق نشد و آنها سفرا‌ی خود را به ایران بازگرداندند. نیزوهای وزارت خارجه هم، همه با این فتوا همدل و هم راستا عمل کردند، چراکه بدنه وزارت تابع رهبری بوده و هستند، مقام معظم رهبری، هم رهبر است و هم کارشناس سیاسی که این آیات الهی‌ها را باز ایشان است. در سفری به لندن در دیدار با وزیر خارجه انگلیس، از وی خواستم تا زمینه باز شدن سر کنسولگری ما در هنگ کنگ را - که آن زمان تحت قیمومت انگلیس بود- فراهم کند. ابتدا موافقت کرد، اما در یادداشتی که در جلسه به وی داده شد، اعلام شده بود بازگشایی سفارت منوط به لغو حکم ارتداد سلمان رشدی است! ما قبول نکردیم و صبر کردیم تا هنگ کنگ از قیمومت انگلیس خارج شود و پس از آن در سال ۱۹۹۹ (میلادی)، سر کنسولگری خود را دایر کردیم. دنیای غرب مسائل را به یکدیگر پیونده داده و مرتب می‌کرد، تا بهر‌مداری کند. بعد از دوران جنگ و برای بازسازی کشور، نیاز به امکانات زیادی داشتیم که غرب در زمینه می‌هری کم نگذاشت و هر چه می‌خواستیم، ندادا حتی سموم شیمیایی برای کشاورزان را، به ما نمی‌دادند. فراموش نکنیم، مبنی بر موضع سلمان رشدی قصد کوتاه آمدن نداشت، اما این کار را کرد

آکوتاه آمد. هنر دیپلماسی، جمع کردن هنرمندانه مسائل است...».

■ **سفرای غرب، از قهر تا بازگشت!**
همانگونه که اشارت رفت، واکنش غرب به صدور حکم رهبر انقلاب درباره نویسنده آیات شیطانی، منفعلانه بود. آنان در گام نخست، سفرای خود را از تهران فراخواندند و تا مدت‌ها به رجزخوانی سیاسی و تهدید پرداختند. با این‌همه پس از سسپری شدن مدتی نه چندان طولانی، ناگزیر سفرای خویش را به ایران بازگرداندند! هر چند که حمایت از سلمان رشدی را، همچنان در منظومه تبلیغی خویش حفظ کردند. بر تال امام خمینی طی مقالی در این خصوص، خاطرنشان ساخته است:

«بعد از پایان جنگ و پذیرش قطعنامه ۵۹۸شورای امنیت سازمان ملل متحد از سوی ایران، صدور فتوای امام خمینی در ۲۵پهمن ۱۳۶۷ (۱۴ فوریه ۱۹۸۹)، حاوی حکم قتل سلمان رشدی، نویسنده هندی تبار انگلیسی، موجب واکنش شدید و موضع‌گیری تند اتحادیه اروپا در مقابل آن شد. پارلمان اروپا در استراسبورگ قطعنامه‌ای به تصویب رساند و طی آن از ۱۲ دولت عضو خواست تا به تهران همانگونه که اشارت رفت، واکنش غرب به صدور حکم رهبر انقلاب درباره نویسنده آیات شیطانی، منفعلانه بود. آنان در گام نخست، سفرای خود را از تهران فراخواندند و تا مدت‌ها به رجزخوانی سیاسی و تهدید پرداختند. با این‌همه پس از سسپری شدن مدتی نه چندان طولانی، ناگزیر سفرای خویش را به ایران بازگرداندند! هر چند که حمایت از سلمان رشدی را، همچنان در منظومه تبلیغی خویش حفظ کردند. بر تال امام خمینی طی مقالی در این خصوص، خاطرنشان ساخته است:

«بعد از پایان جنگ و پذیرش قطعنامه ۵۹۸شورای امنیت سازمان ملل متحد از سوی ایران، صدور فتوای امام خمینی در ۲۵پهمن ۱۳۶۷ (۱۴ فوریه ۱۹۸۹)، حاوی حکم قتل سلمان رشدی، نویسنده

اعلام کنند، اگر به تهدیدات خود عمل نمایند، تدابیر جدی علیه منافع این کشور اتخاذ خواهد شد! وزیران امور خارجه کشورهای عضو اتحادیه اروپا در اول اسفند ۱۳۶۷ (۲۰ فوریه ۱۹۸۹)، بیانیه‌ای انتشار دادند و در آن تهدید به قتل سلمان رشدی را غیر قابل قبول دانستند و اقدامی مخالف با منشور ملل متحد و بی‌حرمتی به اصول و مقررات بین‌المللی اعلام کردند. واکنش فوری اتحادیه اروپا نسبت به فتوای صادره، تصمیم و اقدام مشترکی در سه زمینه بود: احضار سفرای دولت‌های عضو از تهران و کاهش سطح روابط دیپلماتیک با جمهوری اسلامی ایران، لغو ملاقات و بازدید مقامات دو طرف در سطح وزیران و معاونان آنها، تقلیل همکاری‌های اقتصادی و کاهش واردات کالا از ایران. پس از قطع روابط سیاسی ایران و انگلستان در ۱۵ اسفند ۱۳۶۷ (۵ مارس ۱۹۸۹)، دولت آلمان نیز در حمایت از انگلستان، اجرای موافقتنامه فرهنگی با ایران را که در آبان ۱۳۶۷ (نوامبر ۱۹۸۸) امضا شده بود، به حالت تعلیق در آورد. انگلستان می‌کوشید تا با توسعه مسئولیت حمایت از سلمان رشدی، به بقیه کشورهای اروپایی به ویژه دو عضو مؤثر آن یعنی آلمان و فرانسه، هم به اعمال محدودیت و فشار علیه ایران از سوی اتحادیه به تأکید نماید و هم خود را یک جانبه در این مسئله درگیر نسازد. نهایتاً این کشور ها در مقابل بایمردی و استقامت ایران و پشتیبانی جهان اسلام، کوتاه آمده و سفرای این کشورها که با سر و صدا ایران را ترک کرده بودند، یکی یکی و بی‌سرصدا به جمهوری اسلامی ایران بازگشتند.»

■ **راه حل ماجرا، اجرای حکم الهی است**

رحلت اسام خمینی اسما، پایانی بر تلاش غرب برای الغای حکم اعدام سلمان رشدی نبود. آنان همچنان با اتخاذ سیاست چماق و هویج، سعی داشتند تا ایران را به بازپس‌گیری این حکم وادار سازند. به نظر می‌رسد در این میان، اساسی‌ترین عامل در پافشاری جمهوری اسلامی بر تغییر ناپذیر بودن فتوای بنیانگذار آن، مواضع قاطع حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی بوده است. ایشان طی بیاناتی در مورخه ۱۵خرداد ۱۳۶۹، در باب تلاش‌های آشکار و پنهان غرب در عقب راندن ایران از این موضع دینی و عقیدتی، اظهار داشتند:

«عکس‌العمل و ضربه متقابل امام، آنقدر قوی بود که به کلی روی را در گروگون کرد. حکم اعدام سلمان رشدی که با اقبال و تصدیق و شوق وافر ملت‌های اسلامی در همه‌جا مواجه شد، کار را دگرگون کرد... حالا روحیه آنها نبود که تضییع می‌شد. حالا طرفداران آنها، باید در طول این مدت از خودشان دفاع می‌کردند. لذا از آن روز تا حالا، سردمداران غرب و استکبار، در مقابله‌هایی که با جمهوری اسلامی کردند از اولین کلمات‌شان این است که بایاید این قضیه سلمان رشدی را یک‌طور حلش کنید! هرچا یکی از این مهره‌های زنجیره استکبار جهانی، کسی را پیدا کرد که فیمید ممکن است حرف او را به گوش مسئولان جمهوری اسلامی برساند، اولین حرفی که زد - که جزء اولین حرف‌ها- این بود که کاری کنید که این قضیه حل شود. فشار آوردند، هو و جنجال کردند، منتهم نمودند، بالا رفتند، پایین آمدند، نوشتند، گفتند، محکوم کردند، نویسندگان و هنرمندان آلت دست را جمع کردند، طومار امضا کردند، تا شاید بتوانند در این حکم استوار الهی، اندکی خدشه وارد کنند، ولی نتوانستند، بعد از این هم نمی‌توانند، چون حکم اعدام سلمان رشدی متکی به آیات الهی است و مثل آیات الهی، مستحکم و غیرقابل خدشه است. می‌گویند: راه‌حلش چیست؟ راه‌حلش خیلی ساده است، مجرمی است که جرمی مرتکب شده و باید مثل بقیه مجرمان عالم، محکوم الهی شود. باز گفتند، به دست همان مسلمانان انگلیس بدهند - نمی‌گوییم به دست ما بدهند - تا حکم الهی را دربار او جاری کنند. با چنین اقدامی، این قضیه حل خواهد شد و دیگر تمام می‌شود. گریه نیست که باز نشود. این، همان گره است. این، همان نحوه باز شدن این گره است. باید حکم الهی درباره این موجودی که بر حسب آیات الهی و احکام قطعی اسلامی، به مجازاتی محکوم شده، اجرا شود...».

■ **«جنگ اراده‌ها» در مواجهه با آیات شیطانی**

در ۱۴۰۱ و ۳۴سال پس از صدور فتوای تاریخی امام خمینی، مبنی بر ارتداد سلمان رشدی، وی در حاشیه حضور در انستیتو چائوتائو کنوای نیویورک، از سوی یک جوان ۲۴ساله عرب به نام هادی مطر، مورد حمله و ضربات سخت چاقو قرار گرفت. این رویداد نشان داد حکم رهبر انقلاب، به سان تیری از کمان پریده، همچنان در کمین اوست! در مجموع تجربه مواجهه با آیات شیطانی عیان ساخت که اگر رهبران و ملل مسلمان در برابر مهاجمان با قدرت و قاطعیت ظاهر شوند، آنان عقب‌نشینی خواهند کرد و اگر در این فقره سسنستی و کاهلی و رزند، دشمن را جسور تر ساخته‌اند. این امر در مقالی بر تارنمای رهبر معظم انقلاب اسلامی، اینچنین مورد تحلیل قرار گرفته است:

«فرار بود که کتاب آیات شیطانی، نقطه آغازی بر تحقیر نظام‌مدن جهان اسلام باشد، اما حکم قاطعانه امام خمینی (ره) آن برنامه را از بین برد. زنجیره پلید توهین به اسلام از راه‌های مختلف دنبال می‌شود، تا در جنگ اراده‌ها، اراده جهان اسلام را بشکند. تجربه بر خورد با آیات شیطانی به ما ثابت کرد که باید پیبندی بر اصول اسلامی کوتاه نیامدن از آنها در چالش‌های بین‌المللی، از مهم‌ترین بایسته‌هایی است که باید برای موفقیت در دیپلماسی رعایت شود...».



۳۱ مرداد ۱۴۰۱، سلمان رشدی پس از مصروف شدن، سوی هادی مطر